ویرایش دانشنامه ای؛ روانی و یکسان سازی

کیهان فرهنگی

ویرایش دانشنامه‏ای؛روانی‏ و یکسان سازی‏ گفتگو با مسؤول بخش آماده سازی‏ علمی دانشنامهء جهان اسلام

کیهان فرهنگی:کار بخش آماده سازی‏ چیست و از چه بخشهایی تشکیل شده‏ است؟

این بخش از بخشهای جدید بنیاد است.پیشتر تنها بخش ویرایش فعال بود،ولی بعد دو بخش دیگر هم با ویرایش ادغام شد و بخش بزرگتری به نام‏ «آماده سازی علمی»پدید آمد.بخش آماده سازی علمی‏ حد فاصل تولید علمی مقاله است.مقالهء نوشته شده‏ یا ترجمه شده را تحویل می‏گیریم و آن را از نظر ویرایشی،کتاب شناسی،اعلام و تجهیز تصویری با توجه به ضوابط مقالات دانشنامه آماده می‏سازیم.در بخش نخست(ویرایش)مقاله از نظر ساختاری‏ سنجیده می‏شود که آیا مقاله‏ای دانشنامه‏ای است یا خیر.بسیاری از پژوهندگان،مقاله نویسان خوبی‏ هستند،اما مقالهء ایشان لزوما مقالهء دانشنامه‏ای نیست‏ و ما موظفیم این گونه مقالات را به ساختار مقالات‏ دانشنامه درآوریم که شیوه و ویژگیهایی دارد؛یعنی‏ باید مدخل،تعریف آن،مطالب عمدهء ذیل آن، کتاب شناسی و مآخذ روشن و مشخص باشد و در هر موردی که ادعایی شده مستند به سند و مدرکی‏ پذیرفتنی باشد.ساختار مقالات دانشنامه باید به صورت‏ فشرده و مجمل اطلاعات اساسی را دربارهء یک مدخل‏ به خواننده بدهد.به عبارت دیگر باید راهنمایی باشد برای خواننده‏ای که می‏خواهد در یک مورد اطلاعات‏ کلی را بداند و پس از آن اگر دوست داشت آن را در جایی دیگر دنبال کند و به اطلاعات گسترده‏تر و با جزئیات بیشتری دسترسی یابد.به این منظور سر آخر هم باید منابعی داده شود که خواننده به آنها مراجعه‏ کند.آنگاه از دیدگاه نگارش آن را بررسی می‏کنیم. ممکن است هر کس از نظر شیوه نوشتاری روشی‏ داشته باشد.مقالات دانشنامه نباید از نظر نوشتاری‏ مجموعهء اضداد باشد،یعنی یکی بسیار عربی مدار باشد و از کلمات عربی بیشتر استفاده کرده باشد،یا یکی‏ دیگر تا آنجا که می‏تواند کلمات فارسی را به کار ببرد و هنگامی که خواننده‏ای از یک مقاله به مقالهء دیگر مراجعه می‏کند متوجه تفاوت نوشتار شود.می‏کوشیم‏ زبان فارسی رایج،کتابی،ادبی،علمی و معاصر را در همهء مقالات به کار گیریم.در این میان مقاله را از دیدگاههای دیگری نیز بررسی می‏کنیم.این دیدگاهها به طور کلی اصطلاحات،تاریخ‏ها و معادل شمسی، قمری و میلادی آنها،ضبط یکدست اسامی و از این‏ دست را در بردارند.پس از کار ویرایش،مقاله به بخش‏ کتاب شناسی داده می‏شود.کار این بخش آن است که‏ همهء منابع ارجاع داده شده در مقاله را بررسی می‏کند تا از سندیت آن اطمینان یابد.اگر سخنی بر اساس آن‏ منبع نادرست باشد،یا تصحیح می‏شود و یا آنکه به‏ نویسنده یا مترجم بازگردانده می‏شود تا آن را اصلاح‏

\*در ضبط اسامی می‏کوشیم‏ به زادگاه و پروردگاه شخص‏ باز گردیم و ان نام را ملاک قرار دهیم،مگر در مواردی که ضبط دیگری از آن نام در کشورمان‏ اشهر شده باشد که برای‏ جلوگیری از سردرگمی‏ خوانندگان،آن را بر می‏گزینیم.

کند.اگر مطلب از زبان خارجی گرفته شده بود منبع‏ اصلی خوانده می‏شود تا از درک درست مطلب از سوی‏ مترجم اطمینان به دست آید.سپس منابع آخر مقاله از نظر دقت مؤلف یا مترجم بازبینی می‏شود تا خوانندهء علاقه‏مند به پیگیری موضوع بتواند به آسانی و با توجه‏ به مشخصات داده شده به همان کتاب مراجعه کند.

عنوان،نویسنده،تاریخ چاپ،محل چاپ،ویراستار احتمالی و...در این کتاب شناسی آورده می‏شود.در بخش اعلام ضبط اعلام و اسامی یکدست می‏شود. برای نمونه دربارهء نامی چون بو علی،ابو علی،ابن سینا، ابو علی سینا و...اشهر آن نام مشخص می‏شود و آنگاه‏ بررسی می‏کنیم که آیا رواست آن را به کار بریم یا خیر؛ یعنی در همین نمونه«شیخ الرئیس»هم به کار می‏رود، ولی این عنوان در عرف علما شنیده می‏شود و خواننده‏به ضرورت شاید آن را نداند.در زمینهء عالم اسلام از یک‏ دید نگاه می‏شود و در عالم دیگر از دیدی دیگر.برخی‏ اسامی خارجی هستند که ضبط آنها در زبانهای دیگر با اصل آن تفاوت دارد.فرض کنید از متکلمین قرون‏ وسطایی مسیحی نام توماس آکویناس را شنیده‏اید. در حالی که فرانسویان وی را توماسنت دومادکن- که در ظاهر ربطی به هم ندارند و خواننده اگر آگاهی‏ کاملی نداشته باشد سردرگم می‏شود-می‏نامند. بسیاری از اسامی دیگر در زبانهای دیگر تلفظ دیگر دارند؛بنا بر این باید ضبط مورد قبول را شناخت و آن را در همه جا به کار برد.برای مثال اروپاییان می‏گویند: اریسطوته ولی ما آن را با زبان خود همراه کرده‏ایم و می‏گوییم:ارسطو یا انگلیسی‏ها می‏گویند:پلاتو ولی‏ ما می‏گوییم افلاطون درست است که ظاهر آن با اصلش جور نیست،ولی این دیگر شهرتی پیدا کرده و اشهر شده است.

می‏کوشیم تا حد امکاناتمان و ادراک خوانندگان در ضبط اسامی به زادگاه و پروردگاه شخص باز گردیم و آن‏ اسم را ملاک قرار دهیم،مگر در مواردی که آن نام به‏ دلیل اشهر بودن ضبط دیگری از آن در کشورمان‏ خواننده را سردرگم کند.برای نمونه در حالی که در فرانسه دسکارتس شهرت دارد،در ایران و برای‏ خوانندگان ما دکارت اشهر است.

بخش تجهیز مقالات هم بخش کوچکی در کنار بخشهای دیگر این واحد است که تهیهء عکس،نقاشی، تصویر،نقشه و...را به عهده دارد.گاهی اوقات نیاز است شجره‏نامه‏ای هم کنار مقاله‏ای بیاید،خطی زیبا، نسخه‏ای گرانبها،تصویری قدیمی،نقشه‏ای از جایگاهی جغرافیایی و از این دست همگی در روشن‏ کردن بیشتر مقاله سهم دارند که این موارد به عهدهء بخش تجهیز مقالات است.گنجینه‏ای از عکس و تصویر داریم و بیشتر اوقات خودمان نمودارها و جدولها را طراحی می‏کنیم.گاهی هم از طریق سازمانهای‏ دیگر به این نقشه‏ها و تصاویر دسترسی پیدا می‏کنیم.

این چهار محور کاری در بخش آماده‏سازی علمی‏ انجام می‏گیرد و مقالهء تایپ شده و غلط گیری شده در چهره‏ای پاک و منظم از این جهات آماده می‏شود.پیش‏ از این مقالهء پاک و منظم،یادداشتهایی دربارهء رفت و آمدها،اظهارنظرها،اصل مقاله که پس از ویرایش و اعمال نظرها و...به صورتی شلوغ و تا اندازه‏ای کثیف‏ درآمده در پرونده‏ای بایگانی می‏شود.آن چند صفحهء مقالهء تصحیح شده و منزه را در پوشه‏هایی جدید که هر یک رنگی خاص دارند و موضوع آن را مشخص می‏کنند می‏گذاریم و برگه‏ای به نام«برگهء نگاه آخر»پیوستش‏ می‏کنیم.در نگاه آخر روی این برگه چند جای امضا وجود دارد که اولین آن جای امضای مؤلف است.مؤلف‏ پس از بازبینی مقاله،در صورت موافقت با کار ویرایشی انجام شده و شکل و شمایل کلی مقاله آن را امضا می‏کند برای چاپ.دومین امضا تأییدیهء بخش مدخل‏ است که آن را می‏بینند و اگر پیشنهادی به نظر اشخاص آن بخش رسید زیر مقاله می‏نویسند که برای‏ نمونه دیکتهء این لغت بدین شکل صحیح است یا مقاله‏ را بدین صورت تصویب کرده بودیم،در حالی که اکنون‏ به شکلی دیگر درآمده و با آن تفاوت دارد و در ضمن‏ همهء مواردی را که در آن مقاله آورده شده و ما دربارهء آن‏ موارد گفته شده مدخلهایی جداگانه در خود دانشنامه‏ خواهیم داشت،مشخص می‏کنند تا خواننده بداند که‏ برای اطلاع بیشتر از آن مدخلی جدا آمده است و می‏تواند بدان مراجعه کند.برای نمونه در مقالهء «فردوسی»نامهای زیادی چون«توس»،«شاهنامه»، «سلطان محمود»و...هم یک یا چندین بار تکرار خواهد شد که با گذاشتن ستاره‏ای بر آن مشخص‏ می‏شود اطلاعات جداگانه‏ای دربارهء آن کلمهء مشخص‏ شده با ستاره در دانشنامه گرد آمده است.پس از

امضای بخش مدخل،در بخش آماده سازی از این‏ پیشنهادها بهره گرفته می‏شود و پس از اعمال آنها و امضای مسؤول این بخش،مقاله در دسترس معاونت‏ علمی و سپس مدیر عامل قرار می‏گیرد برای دستور چاپ و یا احیانا پیشنهادهای احتمالی آنها.

کیهان فرهنگی:در این بخش چه‏ کسانی با شما همکاری می‏کنند؟

در بخش ویرایش آقای کاتبی سرویراستار هستند و پنج شش نفر از خانمها ایشان را برای ویرایش مقالات‏ یاری می‏دهند که از آن جمله‏اند:خانمها، اسماعیل‏زاده،مهین‏فر،منفرد،فرهنگی،سلاحی و معتمد.آقای حقیقی سرپرست بخش کتاب شناسی‏ هستند و با دو تن از همکارانشان خانمها قطبی و ستاری کار می‏کنند.تجهیز مقالات به عهدهء خانم‏ جاویدی است و خانم محمدی هم مسؤول بخش‏ اعلام هستند که با یک تن از همکارانشان در حال‏ شکل دادن به بانک اعلام بنیاد هستند.

کیهان فرهنگی:در این بخش با چه‏ مشکلات یا موانعی سر و کار دارید.چه‏ راهی را برای از میان برداشتن آنها پیشنهاد می‏دهید؟

مشکل عمدهء ما مشکل ویرایش در سطح کشور است و فقط ویژهء ما نیست هر کس که در کشور ما کارمطبوعاتی می‏کند و با چاپ و کتاب سر و کار دارد با این مشکل درگیر است.برای بسیاری از نویسندگان ما هنوز جا نیفتاده که زبان فارسی متداول و چارچوبداری‏ وجود دارد که باید بکوشیم تا به آن نزدیک شویم و آن را به کار بگیریم.کار ویراستار دانشنامه این است که‏ سبکهای نوشتاری نویسندگان را برگیرد و زبان همهء مقالات را یکنواخت کند،از بیانی فارسی،زبانی‏ متداول و چارچوبمند و علمی بهره گیرد و...بسیاری از نویسندگان چنین کاری را نمی‏پسندند و گمان‏ می‏کنند مقالهءشان بد می‏شود یا سبکشان تغییر می‏یابد.در کتابها وضعیت تفاوت دارد،ولی در دانشنامه نویسی از چنین کاری گریزی نیست و ما نمی‏توانیم بگوییم که اجازه بدهید کسی به سبک‏ فارسی برای نمونه«منشآت»قائم مقام بنویسد و یکی‏ دیگر مثل برخی گفتگوهای داستانی به زبان محاوره و با اصطلاحات همان زبان محاوره‏ای مردم.مسؤولیت‏ کتاب با نویسندهء آن است،اما مسؤولیت دانشنامه افزون بر نویسنده با برپای دارندهء آن هم هست و آن بر پای دارنده برای مقالاتش چارچوبی معین کرده به نام‏ «شیوه نامهء دانشنامهء جهان اسلام»که ویراستاران هم‏ موظفند از آن پیروی کنند.البته این حقیقت هم هست‏ که ویراستاران بنیاد،ویراستاران زبانی‏اند و طبیعی‏ است که از همهء علوم و همهء اصطلاحات آن آگاه‏ نباشند.ممکن است نویسنده‏ای کلمه را به طور عمد به‏ کار برده باشد و ویراستار از آن آگاهی نداشته باشد.به‏ همین دلیل هم هست که مقالات پس از ویرایش به‏ نویسنده بازگردانده می‏شود تا این موارد را مشخص‏ کند،نه آنکه با اطلاع از آن به بحث و جدل بپردازد.به‏ طور معمول ویرایش مقالات کاری است برای بهتر و روانتر شدن مقالات.گمان می‏کنم که فرهنگ ویرایش‏ آرام آرام دارد جا می‏افتد و برخی حتی از آن بسیار استقبال می‏کنند.من گمان می‏کنم اگر این راه را که‏ در ایران به تازگی و چند سالی است به صورت گسترده‏ مطرح شده ادامه دهیم،می‏توانیم این مشکلات را از راه برداریم.

مشکل دیگر مشکل ویراستاران است.در بسیاری‏ جاها ویراستارانی قوی و مسلط و تراز اول نداریم و در هر مؤسسه یکی دو تن هستند.کسانی که بسیار به‏ کارشان آگاهی دارند و از چم و خم آن مطلعند بسیار کم و انگشت شمارند.در برخی جاها حتی ویراستاران، درجه دومند چون ویراستار درجه یک نیست.این رامی‏توان با کلاسهایی برای آموزش آنان در این زمینه‏ جبران کرد و طی کارهای عملی آنها را با این مقوله‏ آشناتر ساخت.

مشکل دیگر،کتاب شناسی است.خیلی‏ها هم با ذکر مرجع و قواعد مقاله نویسی آشنا نیستند.در ظاهر به نظر می‏آید که مقاله نویسی کاری ندارد،اما مقالات‏ دانشنامه‏ای متفاوت از مقالات دیگرند.کسی هست که‏ مطلب را بسیار خوب می‏داند،اما میان دانستن تا نوشتن فاصله‏ای است که برخی از این فاصله ناآگاهند. در برخی مقالات نکات ارزشمندی طرح شده،اما مقاله،دانشنامه‏ای و دایرة المعارفی نیست.خوب این‏ کارها بر دوش ما می‏افتد و ما مجبوریم‏ کتاب شناسیهای مقاله را جای نویسنده انجام دهیم. البته اینها کارهایی هستند که به تازگی آغاز کرده‏ایم و اگر برای نمونه کتابهای سی و پنج سال پیش را نگاه‏ کنید،می‏بینید هیچ یک از ضوابطی که ما امروزه‏ رعایت می‏کنیم در آنها دیده نمی‏شود.حتی اگر برخی‏ \*کار ویراستار دانشنامه این است‏ که سبکهای نوشتاری‏ نویسندگان را برگیرد و زبان‏ همهء مقالات را یکنواخت و یکدست کند تا تفاوت سبکها ذهن خواننده را منحرف نکند.

\*به طور معمول ویرایش‏ مقالات کاری است برای بهتر و روان‏تر کردن مقالات. کتابهای دانشگاه تهران را نگاه کنید،که به هر حال یکی از ناشران بزرگ علمی کشور است،و با پشتوانهء کل دانشگاه تهران که قدیمترین مؤسسهء آموزشی علمی ماست می‏بینید هر کس هر طور که‏ دلش خواسته نوشته.امروز البته این طور نیست.اگر کتابهای مرکز نشر دانشگاهی را-که نزدیک به دوازده‏ سال است منتشر می‏شود بنگرید،می‏بینید یک‏ روالی پیدا کرده و ضوابط و ؟؟؟در آن به چشم‏ می‏آید و هر طور که خواسته‏اند ننوشته‏اند.این طور که‏ حرکت کرده‏ایم و متوجه ضرورت این کار شده‏ایم و بیشتر مؤسسات بزرگ بخش ویرایش برای خود دارند و با ضوابطی کار می‏کنند،من گمان می‏کنم تا ده یا پانزده سال دیگر بسیاری از مشکلات ما در این زمینه‏ حل می‏شود و به اجماعی کلی می‏رسیم.

کیهان فرهنگی:پیش از شما چه‏ کسانی مسؤولیت بخش آماده سازی را به عهده داشته‏اند؟

آقایان ابو الحسن نجفی،احمد سمیعی و عبد الحسین آذرنگ-که همچنان اما در بخش دیگر با ما همکاری دارند-پیشتر در این سمت،مسؤولیت‏ بخش ویراستاری را به عهده داشته‏اند.

کیهان فرهنگی:سپاسگزاریم.